

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

فرستنده: یک هوادار پورتال

۱۰/۱۱/۰۴

ماتریالیسم تاریخی

ماتریالیسم تاریخی علم مربوط به عام ترین قوانین تکامل جامعه بشری است. ماتریالیسم تاریخی، یا بینش ماتریالیستی تاریخ، تعمیم و کاربرد تئوری ماتریالیستی برای شناخت زندگی اجتماعی و تاریخی جامعه بشری است. ماتریالیسم تاریخی یک بخش لاینفک فلسفه مارکسیستی و یک جهان بینی تماماً متضاد با ایده آلیسم تاریخی است.

پیش از پیدایش مارکسیسم، ایده آلیسم تاریخی در زمینه تئوری تاریخ، نقش کاملاً مسلط را اشغال می نمود و از این رو یک علم تاریخ اصیل نمی توانست به وجود آید. تنها ماتریالیسم تاریخی، که به وسیله مارکس بنیان گذارده شد، برای اولین بار قادر گردید به شکلی صحیح علت اساسی تکامل تاریخ جوامع بشری را کشف و روند اصلی این تکامل و نیز عام ترین قوانین آن را از پرده ابهام خارج نماید.

از نظر ماتریالیسم تاریخی، هستی اجتماعی آگاهی اجتماعی را تعیین می کند و این آگاهی به نوبه خود متقابلاً بر هستی اجتماعی تاثیر می گذارد. هستی اجتماعی شرایط زندگی مادی جامعه و به ویژه شیوه تولید نعمات مادی را دربر می گیرد. آگاهی اجتماعی مسائل مربوط به سیاست، حقوق، اخلاق، هنرها، فلسفه و غیره را دربر می گیرد، که این به نوبه خود یک عکس العمل فعال بر هستی اجتماعی کرده و در شرایط معینی حتی نقش تعیین کننده نیز ایفاء می کند. مائوتسه دون می گوید:

«... ما قبول داریم که در جریان عمومی رشد تاریخ، ماده تعیین کننده روح و وجود اجتماعی تعیین کننده شعور اجتماعی است؛ ولی در عین حال نیز می پذیریم – و باید هم بپذیریم – که روح بر ماده، شعور اجتماعی بر وجود اجتماعی و روبنای بر زیربنای اقتصادی تاثیر متقابل می گذارد.» (۱)

از نظر ماتریالیسم تاریخی، تکامل تاریخی جامعه بشری دارای قوانین ویژه آنست. این حرکت تکاملی به حرکت و دگرگونی تضادهای اساسی جامعه (یعنی تضاد میان نیروهای مؤلده و روابط تولیدی و تضاد میان زیربنای اقتصادی و روبنای) وابسته بوده و از آن منشاء می گیرد. در جامعه‌ای که تضاد و آنتاگونیسم طبقاتی موجود است، این تضادها به صورت مبارزه طبقاتی حادی بروز می کنند که نیروی محرکه تکامل هر جامعه طبقاتی را تشکیل می دهند. مائوتسه دون می گوید:

« مبارزه طبقاتی، پیروزی بعضی از طبقات و نابودی برخی دیگر، اینست تاریخ، اینست تاریخ تمدن چندین هزار ساله. تفسیر تاریخ از این دیدگاه، ماتریالیسم تاریخی است، قرار گرفتن در نقطه مقابل آن ایده آلیسم تاریخی است.» (۲)

ماتریالیسم تاریخی معتقد است که این توده‌های مردم هستند که سازنده تاریخ اند. این بردگان هستند که تاریخ را می‌سازند و نه قهرمانان. توده‌های مردم نیروی عمده سه فعالیت بزرگ اجتماعی (مبارزه طبقاتی، مبارزه تولیدی و مبارزه علمی) هستند و بنابراین تاریخ تکامل جوامع همان تاریخ فعالیتها و پراتیک توده‌های مردم است. قوانین عینی تکامل اجتماعی به وسیله و از طریق فعالیت و پراتیک توده‌ها تحقق می‌یابند. مائوتسه دون می‌گوید:

«خلق و فقط خلق است نیروی محرک و آفریننده تاریخ جهان» (۳)

بر پایه اعتقاد به این حقیقت که توده‌ها نیروی محرک تکامل تاریخ جوامع اند، ماتریالیسم تاریخی نقش فرد را نیز در تاریخ تأیید می‌نماید. رهبران انقلابی پرولتاریا که در جنبش‌های توده‌ای انقلابی پرولتری به وجود می‌آیند نقش عظیمی را در پیروزی و تکامل انقلاب پرولتاریائی ایفاء می‌کنند، زیرا فقط آنها قادرند بهتر از هر کسی منافع و اراده مردم را بیان کرده، به توده‌ها اعتماد کامل داشته و به آنها اتکاء نموده و شناخت و هوش و ابتکار توده‌ها را جمع بندی و فشرده کرده و بالاخره قوانین تکامل جامعه را درک و به شکل صحیحی پرولتاریا و توده‌های انقلابی را رهبری نمایند.

بنیان‌گذاری ماتریالیسم تاریخی در تاریخ تکامل اندیشه بشری یک انقلاب عظیم به شمار می‌رود. لنین ماتریالیسم تاریخی مارکس را «بزرگترین پیروزی تاریخ اندیشه علمی» می‌داند. (۴)

ماتریالیسم تاریخی بنیاد تئوریکی است که بر پایه آن حزب پرولتاریا تاکتیک و ستراتیژی خود را تعیین می‌نماید و پرولتاریا و توده‌های انقلابی را به تئوری علمی - درباره تکامل اجتماعی و شیوه علمی شناخت و دگرگون کردن جهان - مسلح می‌نماید و به این ترتیب به یک سلاح ایدئولوژیک نیرومند برای انجام پیروزمند مبارزه انقلابی مبدل می‌گردد.

یادداشت‌ها:

۱- مائوتسه دون: «درباره تضاد»

۲- مائوتسه دون: «پندارهای واهی خود را به دور افکنید و ...»

۳- مائوتسه دون: «درباره دولت ائتلافی»

۴- لنین: «سه منبع و سه جزء مارکسیسم»